نقش احادیث معصومین علیهم‌السلام در معناشناسی واژه‌های قرآن کریم ـ
سید محسن موسوی، حجت علی نژاد
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال شانزدهم، شماره ۶۱ «ویژه قرآن و حدیث: پیوند ناگسستنی»، زمستان ۱۳۹۷، ص ۱۱-۲۲

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-08]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.2.8]

نقش احادیث معصومین علیهم‌السلام در معناشناسی واژه‌های قرآن کریم

سیدمحسن موسوی*
حجت علی نژاد**

چکیده: یکی از منابع مهم در معناشناسی واژه‌های قرآن کریم، احادیث معصومین علیهم‌السلام است که داناترین افراد به معانی قرآن کریم بوده‌اند، لذا احادیث تفسیری آنان برای ما جایگاه استواری دارد و در تفسیر قرآن یکی از منابع اصلی به شمار می‌رود. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که، احادیث شریف در معناشناسی واژه‌های قرآن می‌تواند نقش‌های مختلفی از جمله، عبور از معنای ظاهری لفظ، تعیین معنای مراد و مقصود از واژه در قرآن، انتخاب یکی از دو معنای واژه، ایجاد معانی جدید برای واژه و تعیین مصداق برای واژه را ایفا کند. این مقاله از نوع تحقیقات بنیادین است که با روش توصیفی تحلیلی به این موضوع می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: معناشناسی؛ حدیث؛ معصومین؛ واژه؛ قرآن کریم.

*. استادیارگروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه sm.musavi55@gmail.com
**. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث alinegad.hojjat@gmail.com

مقدمه

اهل بیت علیهم‌السلام آگاه‌ترین افراد به تفسیر قرآن کریم بوده‌اند که مطابق روایات وارده، به همه معانی وحی نازل بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و قرآن آگاهی داشتند. (کلینی، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۲۹) برای حجّیت سخنان اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر قرآن، می‌توان به نصوصی استناد کرد، از جمله: آیه تطهیر (احزاب:۳۳) و آیات ﴿أَطِيعُواْ اللَّهَ وَ أَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَ أُوْلِي الْأَمْرِ مِنكم﴾ (نساء:۵۹) ﴿فَسَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُون﴾ (نحل:۴۳؛ انبیاء:۷) حدیث متواتر ثقلین و احادیث قطعی دیگری مانند این سخن که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در روز غدیر، ضمن معرفی امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: «ای گروه مردمان! در قرآن تدبّرکنید. آیات آن را نیک دریابید، به محکمات آن بنگرید و از متشابه آن پیروی نکنید. به خدا سوگند، نواهی آن را برایتان روشن و تفسیر آن را برای شما آشکار نمی‌کند، مگر آن کسی که من دستش را گرفته، به سوی خود بالا آورده‌ام.» (طبرسی، ج ۱، ص ۱۴۶؛ حرعاملی، ج ۲۷، ص ۱۹۳) دلایل عقلی فراوان نیز بر این حقیقت گواه است. در مقاله پیش رو منظور از حدیث، احادیث منقول از معصومین علیهم‌السلام، یعنی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت آن حضرت است. البته روایات صحابه و تابعین نیز در درجه‌های بعدی قابل استفده است. اما در این جا به دلیل اهمیت ویژه روایات معصومین علیهم‌السلام بحث را محدود به روایات آن بزرگواران می‌کنیم. باید دانست علی‌رغم آثارِ در خور و شایسته ای که در معرفی و روش‌شناسی تفسیراهل بیت علیهم‌السلام انجام گرفته، آن گونه که شایستهٔ منزلت و جایگاه آنان است، تفسیرشان کمتر روش‌شناسی شده است.

یکی از ابعاد روشی تفسیری پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت علیهم‌السلام اهتمام به تفسیر واژه‌های غریب و نامانوس است؛ به عبارتی دقیق‌تر، واژه‌های حساس و مهم و عموماً مورد اختلاف مفسران و یا واژه‌هایی که دیگر مفسران در تفسیر آن دچار خطا شده‌اند. احادیث شریف معصومان در معناشناسی واژه‌های قرآن نقش‌های

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-08]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.2.8]

مختلفی را می‌توانند ایفا کنند. به نظر برخی از پژوهشگران، هیچ واژه‌ای از قرآن کریم را نمی‌توان یافت که مردم عصرنزول به معنای آن کاملا جاهل بوده باشند و معنای آن درروایات پیامبرﷺ و اهل بیت‌علیهم‌السلام بیان و آشکار نشده باشد؛ از این رو برای روایات اهل بیت‌علیهم‌السلام در تفسیر واژه‌های قرآنی باید در جستجوی نقش‌ها و کارکردهای مهم‌تر و حساس‌تری برآمد و باید به کشف نکات دیگری در زمینه معنی‌شناسی رفت. (طیب حسینی، ص ۶۷) در این پژوهش برخی از مهم‌ترین نقش‌های احادیث معصومین‌علیهم‌السلام در معناشناسی واژه‌های قرآن کریم که می‌تواند مورد تأمل بیشتر و مطالعه دقیق‌تر قرار گیرد، بررسی می‌شود.

۱. عبور از معنای ظاهری لفظ

قرآن کریم وحی الهی است که ازجانب خداوند متعال بر قلب مقدس رسول خداﷺ نازل شده و با هدف هدایت بشر، معارف والای خود را، در قالب الفاظ مادی و محسوس و رایج در میان قوم عرب زمان نزول- جهت فهم آنان- بیان کرده است. بنابراین طبیعی است که بسیاری از کلمات و واژه‌های قرآنی در همان معنای مادی و حسی و رایج میان مردم به کار نرفته باشد و به صورت مجاز در معنایی نزدیک و مرتبط با آن واژه به کارگرفته شوند. البته بسیاری از کاربردهای مجازی الفاظ در قرآن برای مفسران شناخته شده است؛ اما ممکن است، مفسران به دلیل ناآگاهی از معنای مجازی برخی الفاظ، و یا معنای مجازی مقصود در یک آیه مورد نظر، آن لفظ را به معنای شناخته شده و رایجش تفسیرکنند. بنابراین با مراجعه به حدیث معصومین‌علیهم‌السلام می‌توان معنای مجازی و مقصود آن را کشف کرد و بدین وسیله می‌توان ثابت کرد که معنای رایج آن واژه مورد نظر خداوند نبوده است. به چند نمونه توجه کنید.

۱-۱. واژۀ «عرش» در معنای لغوی خود به معنی تخت پادشاه (ابن فارس، ذیل ماده «عرش»)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-08]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.2.8]

یا به معنای شیء مسقف (راغب، ذیل ماده «عرش») است. در قرآن کریم نیز به این دو معنا آمده است. (یوسف:۱۰۰؛ حج: ۴۵؛ نمل:۴۲)، اما هیچ یک از این دو معنا متناسب با واژۀ «عرش» در آیه شریفه ﴿وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلىَ الْمَاءِ﴾ (هود: ۷) نیست. اکثر مفسران نتوانسته‌اند معنای درستی از این واژه مناسب با سیاق این آیه شریفه به دست آورند. تفسیری که اغلب مفسران زمان تابعین از این واژه کرده‌اند، نشان می‌دهد که برداشت آن‌ها از واژه «عرش» معنای حسّی و رایج آن، یعنی تخت پادشاه، بوده است. (طبری، ج ۱۲، ص ۴-۵؛ ابن کثیر، ج ۴، صص ۲۶۵- ۲۶۶؛ فخر رازی، ج ۱۷، ص ۳۱۹؛ بیضاوی، ج ۳، ص ۱۲۸؛ آلوسی، ج ۶، ص ۲۰۵) اما در روایتی از امام صادق علیه‌السلام واژۀ «عرش» در این آیه به «علم» معنا شده است یعنی علم خداوند به این تعلق گرفت که همه چیز را از آب خلق کند. (عروسی حویزی، ج ۲، ص ۳۳۸؛ بحرانی، ج ۱، ص ۵۱۸)

۱-۲. صدوق در کتاب معانی الاخبار از حضرت صادق علیه‌السلام آورده که در مورد معنای «ید» در آیۀ ﴿يا إِبْلِيسُ ما مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِما خَلَقْتُ بِيَدَيَّ﴾ (صاد:۷۵) فرمود: در کلام عرب، دست تنها به معنای جارحه یعنی عضوی از بدن انسان نیست، بلکه به معنای قوه و نعمت هم آمده است، چنانکه در قرآن هم به معنی قوه بکار رفته است. مانند این آیه که در باره قوت داود علیه‌السلام می‌فرماید: ﴿وَ اذْكُرْ عَبْدَنا داوُدَ ذَا الْأَيْدِ﴾ (صاد:۱۷) و در باره بنای آسمان می‌فرماید: ﴿وَ السَّماءَ بَنَيْناها بِأَيْدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾ (ذاریات:۴۷) آن گاه در معنای ﴿وَ أَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ﴾ (مجادله:۲۲) فرمود: یعنی آنها را به روحی از خود تقویت نمود. و وقتی گفته می‌شود برای فلانی نزد من یدی است بیضاء، مقصود این است که فلانی نعمت فراوانی به من داده و حق بزرگی بر من دارد. (شیخ صدوق، معانی الاخبار، صص ۱۶- ۱۵)

۲. تعیین معنای اصلی از واژه در قرآن

واژه‌های به کار رفته در قرآن کریم ممکن است معانی متعددی اعمّ از حقیقی یا مجازی داشته باشند، که با توجه به سیاق آیه نتوان آن راتشخیص داد. تعیین معنای

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-08]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.2.8]

مقصود از یک واژه در یک آیه از قرآن، گاهی چنان دشوار است که بدون راهنمایی و بیان امام معصوم، مفسر به خطا می‌افتد و به مراد واقعی آیه پی نمی‌برد. به چند نمونه توجه کنید:

۲-۱. واژه «السائحون» در آیهٔ ﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ﴾ (توبه:۱۱۲) از ماده «سیح» در فرهنگ عربی به معنای سیر و سیاحت در زمین است. «ساحَ فی الأرضِ» یعنی به سیاحت وگردش در زمین پرداخت. (ابن فارس، ذیل ماده «سیح»؛ ابن منظور، ج ۶، ذیل ماده «سیح») در قرآن نیز به همین معنا آمده است: ﴿فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ﴾ (توبه:۲) اما این معنا با سیاق آیه مورد نظر سازگار نیست. یعنی هیچ رابطه عقلانی و معرفتی میان توبه و حمد و رکوع و سجود با سیر و سیاحت دیده نمی‌شود. لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله آن واژه را به «روزه‌داران» معنا و تفسیرکرده‌اند. (زمخشری، ج ۲، ص ۳۱۴؛ طبرسی، ج ۵، ص ۱۱۳؛ عروسی حویزی، ج ۲، ص ۲۷۲-۲۷۴؛ حاکم نیشابوری، ج ۲، ص ۳۳۵)

۲-۲. واژه «نعیم» در آیه ﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ (تکاثر:۸) شخصی می‌پنداشت خدای متعال از غذای لذیذی که او نزد امام صادق علیه السلام می‌خورد بازخواست خواهد شد. اما امام صادق علیه السلام واژه «نعیم» را به نعمت محمد و آل محمد علیهم السلام تفسیر می‌کند و می‌فرمایند: خداوند بزرگ‌تر و کریم‌تر از آن است که طعام پاکیزه‌ای به شما ببخشد و از آن لذت ببرید، سپس در قیامت نسبت به آن، از شما بازخواست کند، اما شما نسبت به نعمت محمد و آل محمد بازخواست خواهید شد. (بحرانی، ج ۵، ص ۷۴۶؛ قمی، ج ۲، ص۴۴۰؛ طبرسی، ج ۱۰، ص ۸۱۳)

شاید گفته شود امام علیه السلام صرفاً مصداقی از مصادیق آن واژه را بیان کرده‌اند، ولی در واقع امام به نکته‌ای بسیار مهم ناظر به معنا و مفهوم آیه شریفه توجه داده‌اند که اغلب از دید لغت‌شناسان مغفول مانده است، و آن این که مقصود از «نعیم» نعمت‌های حقیقی و بزرگ و معنوی (غیرمادی) است، برخلاف نعمت که در معنای

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-08]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.2.8]

نعمت‌های مادی و این جهانی کاربرد دارد. (طیب حسینی، ص ۷۰)

۲-۳. در تفسیر قمی ذیل آیه شریفه ﴿لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِم﴾ (مائده:۶۶) در معنای واژه‌های «فوق» و «تحت»، امام صادق علیه‌السلام مخاطب آیه را قوم یهود و نصارا می‌داند. و آیه را چنین معنی می‌کند که از بالا به وسیلهٔ باران و از پایین به وسیلهٔ رویش گیاهان و مواد غذایی متمتع می‌شوند. (قمی، ج ۱، ص ۱۷۱)

نمونه‌های فراوانی از این دست تفاسیر را می‌توان در میان روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام جستجو کرد.

۳. انتخاب یک معنا از معانی واژه

یکی دیگر ازکارکردهای حدیث در معناشناسی واژه‌های قرآن کریم، انتخاب یکی از دو یا چند معنای واژه است. این نقش بیشتر مختص به مواردی است که یک واژه دارای چند معنا باشد و سیاق آیات نیز تحمل آن چند معنا را داراست. در چنین مواردی یکی از نقش‌های حدیث در حوزه معناشناسی واژگان، آن است که یکی از دو معنای واژه را بر دیگری ترجیح دهد. به چند نمونه توجه کنید.

۳-۱. دربارهٔ ریشه و معنای واژه «اسم» در آیه شریفه ﴿بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَحیم﴾ دانشمندان و مفسران اختلاف نظر دارند. (راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۸۷۱؛ قرشی، ج ۷، ص ۲۱۹؛ فراهیدی، ج ۷، ص ۳۱۸) نحویان بصره واژه «اسم» را مشتق از «سمو» به معنای عُلوّ، و نحویان کوفه این واژه را مشتق از «وَسم» به معنای علامت و نشانه می‌دانند. (زمخشری، ج ۱، ص ۵؛ اندلسی، ج ۱، ص ۲۷)

امام رضا علیه‌السلام «اسم» را به معنای علامت و نشانه تفسیر می‌کند، و می‌فرماید: کسی که ﴿بسم الله﴾ می‌گوید، معنایش این است که خود را با یکی از نشانه‌های الهی - «سِمَةٌ مِن سِماتِ الله» یعنی عبادت - نشانه‌گذاری می‌کند. پرسیدم «سِمَةٌ» یعنی چه؟ فرمودند: یعنی نشانه. (صدوق، ص ۳)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-08]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.2.8]

۳-۲. واژه «قُروء» جمع «قُرء» در آیه شریفه است: ﴿وَ الْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾ (بقره:۲۲۸) اهل لغت واژه «قرء» را در اصل به معنای جمع و اجتماع دانسته‌اند. (مصطفوی، ج ۹، ص ۲۱۸؛ راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۶۶۸) اما در اطلاق این کلمه در مورد زن، معانی مختلفی نقل شده است. ابن فارس می‌گوید: «قَرَاتِ المراةُ» را در زمان طُهر و پاکی زن بر وی اطلاق می‌کنند. و «قُرء» به معنای وقت است که گاه بر وقت طُهر زن وگاه بر وقت حیض زن اطلاق می‌شود. (ابن فارس، ذیل ماده «قری») اما راغب اصفهانی می‌گوید: «قَرَاتِ المرأة» یعنی حیض شدن (راغب اصفهانی، ذیل ماده «قری») این اختلاف در معنای «قرء» در اکثر کتاب‌های لغت و تفاسیر دیده می‌شود. این دو معنا اثری فقهی در آیه شریفه دارد، لذا هر دو معنا با هم نمی‌تواند صحیح باشد. از این رو مفسران هر یک مطابق مذهب فقهی خود این واژه را تفسیرکرده‌اند، که هیچ یک قابل اطمینان و اعتمادبخش نمی‌تواند باشد. اما در روایات اهل بیت علیهم‌السلام همان معنای اصلی که ابن فارس ذکرکرده، تأیید شده و «قُرء» به جمع شدن خون در میان دو حیض یعنی همان زمان طهر و پاکی زن تفسیر شده است. (زمخشری، ج ۱، ص ۲۷۱؛ ابن عربی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ قرطبی، ج ۳، ص ۱۱۳) ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند: عده زنی که حائض می‌شود و حیض او مرتب است، سه قرء می‌باشد و قرء، جمع شدن خون در فاصله میان دو حیض است. (کلینی، ج ۶، ص ۹۱؛ طوسی، ج ۸، ص ۱۱۷)

۴. ایجاد معنی جدید برای واژه

یکی دیگر از نقش‌های احادیث تفسیری پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام در حوزهٔ معناشناسی واژه‌ها، ایجاد و توسعه در معنای واژه‌هاست. گاه ممکن است واژهٔ به کار رفته در قرآن، معنای شناخته شده‌ای در فرهنگ و لغت عرب داشته باشد که در یک آیه نیز به همان معنا به کار رفته است، اما در حدیث برای آن، معنای دیگری

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-08]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.2.8]

مرتبط با معنای اصلی آن واژه بیان می‌شود. بدین ترتیب حدیث توسعه‌ای در معنای آن واژه و در نتیجه توسعه‌ای در معنای آیه ایجاد می‌کند. به چند نمونه توجه کنید:

۴-۱. واژه «انحَر» در آیه ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انحَر﴾ (کوثر:۲) فعل امر از «نَحر» است و در لغت به سینه و نیز به گودی زیر گلوی انسان یا حیوان «نَحر»گویند. (ابن فارس، ذیل ماده«نحر»؛ ابن منظور، ج ۱۴، ص ۶۸، ذیل ماده «نحر») «نَحَرَ البَعیرَ»، یعنی نیزه را در نحر شتر فرو کرد. (زمخشری، ص ۶۲۲، ذیل ماده «نحر»)، که مقصود از آن قربانی کردن شتر می‌باشد. به این ترتیب معنای «وَانحَر» در این آیه شریفه، به گفتهٔ برخی از مفسران، امر کردن به قربانی کردن شتر است. (طبری، ج ۳، ص ۳۱۲؛ طبرسی، ج ۱۰، ص ۸۳۷؛ قرطبی، ج ۲۱، ص ۲۱۸؛ طوسی، ج ۱۰، ص ۴۱۸؛ مجلسی، ج ۱۶، صص ۳۱۱-۳۱۲)

اما در احادیث متعددی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده است، واژه «وَانحَر» در آیه ذیل به معنای بالا بردن دست‌ها تا نزدیکی صورت به هنگام تکبیرة الاحرام در نماز است. مثلا امام صادق علیه السلام با بالا آوردن دو دست خود تا مقابل صورتشان، در حالی که رو به قبله بود، واژه «وَانحَر» را برای شخصی که می‌پرسید، معنا کرد. (طبرسی، ج ۱۰، ص ۸۳۷؛ بحرانی، ج ۱۰، ص ۴۴۰) در روایت دیگری که حضرت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده، به بالا آوردن دست‌ها تا نزدیکی صورت، برای تکبیرة الاحرام در نماز سفارش شده است. (طبرسی، ج ۱۰، ص ۸۳۷) در روایتی دیگر از امام باقر علیه السلام «وَانحَر» به «اعتدال در ایستادن به هنگام نماز و پشت و سینه را راست و رو به قبله نگه داشتن» معنا و تفسیر شده است. (کلینی، ج ۳، ص ۳۳۶؛ حرّ عاملی، ج ۵، ص ۴۸۹)

معنای مورد اشاره این روایت به عنوان معنای سوم برای «وَانحَر» در این آیه تلقی می‌شود، که معنایی کاملا دینی و اسلامی است. این معنای مورد اشارهٔ حدیث در منابع کهن لغت واز زبان بعضی لغویان هم چون ابن اعرابی و فرّاء نیز نقل شده.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-08]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.2.8]

ابن الاعرابی می‌گوید: «نَحره» یعنی این که شخص به هنگام نماز راست بایستد. (ابن منظور، ج ۱۴، ص ۶۹، ذیل واژه «نحر») فراء می‌گوید: یعنی این که نحر و سینه خود را رو به قبله بدارد. (همان)

۴-۲. واژه «قَتل» و «اَحیا» در آیه ﴿مَن قَتَلَ نَفْسَا ... وَ مَنْ أَحْيَاهَا﴾ (مائده:۳۲) به گمراه کردن یا هدایت افراد (بحرانی، ج ۲، صص ۴۳۸-۴۴۰)؛ تعمیم «طعام» در آیه ﴿فَلْيَنظُرِ الْانسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ﴾ (عبس:۲۴) به علم که غذای روح است (بحرانی، ج ۸ ص ۲۱۴-۲۱۵)؛ تفسیر واژه «ماءٍ مَعینٍ» در آیه ﴿إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَن يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾ (ملک:۳۰) به غیبت امام (همان، ج ۸، ص ۸۱-۸۲) که در روایات تفسیری از امامان معصوم علیهم‌السلام دیده می‌شود، نمونه‌ای از ایجاد و توسعه معنای جدید برای واژگان است.

۵. تعیین مصداق برای واژه

یکی دیگر از کاربردهای حدیث معصومین در حوزه معناشناسی واژگان، تعیین مصداق برای واژگان قرآن است. به چند نمونه بنگرید:

۵-۱. در تفسیر آیه ﴿غَيرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ﴾ (فاتحة الکتاب:۷) از رسول خدا روایت شده است که فرمودند: منظور از ﴿الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾ قوم یهود و مراد از ﴿الضَّالِّينَ﴾، مسیحیان می‌باشد. (سیوطی، ج ۲، صص ۱۲۳۷-۱۲۳۸)

۵-۲. از ابن عباس روایت شده که «نزدیکان پیامبر» در آیهٔ ﴿قُل لَّا أَسْلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ (شوری:۲۳) علی، فاطمه و دو پسرآنان هستند. (بحرانی، ج ۶، ص ۸۶)

۵-۳. اهل البیت در آیهٔ ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب:۳۳) علی، فاطمه، حسن، حسین علیهم‌السلام هستند. (همان، ج ۶، ص ۲۷۵؛ حاکم نیشابوری، ج ۲، ص ۴۱۶)

۵-۴. ذاالقربی در آیهٔ ﴿وَ ءَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾ (اسراء:۲۶) حضرت فاطمه سلام الله علیها می‌باشد. (کلینی، ج ۱، ص ۵۴۳)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-08]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.2.8]

۵-۵. گاهی پیامبرﷺ در تفسیر آیات، به بیان لفظی اکتفا نمی‌کرده؛ بلکه مطالب آیات را برای افراد مجسم می‌کرده است. مثلا از ابن مسعود نقل شده است که: رسول خداﷺ خطی را برای ما ترسیم کرد و فرمود: این راه خداست. پس در سمت راست و چپ آن خط،خط‌های دیگری را کشید و فرمود: این‌ها راه‌های متفرقی هستند که بر هر یک از آن‌ها شیطانی است که انسان را به سوی آن دعوت می‌کند. سپس آیه را خواند: ﴿وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِی مُسْتَقِیمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُواْ السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَن سَبِیلِه...﴾ (انعام:۱۵۳) (حاکم نیشابوری، ج ۲، ص ۳۱۸)

نتیجه‌گیری

قرآن کریم درطول رسالت پیامبراکرمﷺ بر ایشان نازل شد. با توجه به آن که بخش عمده‌ای از آیات نیازمند تفسیر بود، رسول اکرمﷺ و پس از ایشان ائمه معصومینﷺ در طول زندگی پربرکت خودشان، با دلایل نقلی-اعم از آیات قرآن کریم و روایات و احادیث- و تحلیل عقلی فراوانی که موجود است، آیات قرآن را تفسیر وتبیین و در بعضی موارد به معناشناسی واژگان آنها می‌پرداختند. بنابراین یکی از منابع مهم معناشناسی واژه‌های قرآن کریم - برای تفسیر قرآن- احادیث و روایات معصومان است. در این پژوهش، این نتیجه حاصل شد که توجه به احادیث معصومین در معناشناسی واژه‌های قرآن تاثیر و نقش انکارناپذیری دارد. این روایات و احادیث در معناشناسی واژه‌های قرآن، چنان اهمیتی دارد که تفسیر قرآن بدون مراجعه به این روایات، به تفسیری نادرست یا ناقص از قرآن منتهی می‌شود. احادیث شریف در معناشناسی واژه‌های قرآن نقش‌های مختلفی می‌تواند ایفا کند. برخی از نقش‌های حدیث در این زمینه عبارت بودند از: عبور از معنای ظاهری لفظ، تعیین معنای مراد و مقصود از واژه در قرآن، تعیین یکی از دو معنی واژه، ایجاد معانی جدید برای واژه، و تعیین مصادیق برای واژه‌های قرآن.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-08]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.2.8]

منابع

قرآن کریم

۱. ابن العربی، محمدبن عبدالله، احکام القرآن، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم: موسسهٔ النشرالاسلامیهٔ، ۱۴۰۳ق.

۳. ابن فارس، ابوالحسن احمد، ترتیب مقاییس اللغه، تحقیق و ترتیب علی عسکری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ش.

۴. ابن کثیر، اسماعیل، تفسیرالقرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.

۵. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.

۶. اندلسی، ابوحیان، البحر المحیط فی التفسیر، تحقیق صدقی محمدجمیل، بیروت، دار الفکر،۱۴۲۰ق.

۷. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

۸. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیرالقرآن، بیروت، موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۶ق.

۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل واسباب التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.

۱۰. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار المعرفه، بی‌تا.

۱۱. حرعاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعه، قم: موسسهٔ آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.

۱۲. رازی، فخرالدین، التفسیرالکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بی‌جا، دفتر نشر الکتاب،۱۴۰۴ق.

۱۴. زمخشری، محمود بن عمر، اساس البلاغه، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۵م.

۱۵. ـــــــــــــ، الکشّاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.

۱۶. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق.

۱۷. طبرسی، احمدبن علی، الاحتجاج، مصحح محمدباقر موسوی خرسان، مشهد، نشر المرتضی،۱۳۰۴ش.

۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، بیروت، موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.

۱۹. طبری، محمدبن جریر، جامع البیان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.

۲۰. طوسی، خواجه نصیرالدین، اساس الاقتباس، تحقیق مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵ش.

۲۱. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیرالقرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

۲۲. طیب حسینی، سیدمحمود، درآمدی بر دانش مفردات قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ش.

۲۳. عروسی حویزی، عبدالعلی، نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.

۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-08]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.2.8]

۲۵. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۲۶. قرطبی، محمدبن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۶۴ش.
۲۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرقمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.
۲۸. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، بیروت، دار الاضواء،۱۴۱۳ق.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۰. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب،۱۳۶۰ش.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-10-08]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1397.16.61.2.8]